



## A Comparative Study of the Opportunities and Challenges of Electronic Litigation in the Light of Fair Trial

Reza Bidram <sup>1</sup>, Asadollah Yavari <sup>2</sup>

1. PhD student in Public Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, (Corresponding Author), Email: [bidramr73@gmail.com](mailto:bidramr73@gmail.com)

2. Associate Professor, Department of Law, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran, Email: [yavariamir@hotmail.com](mailto:yavariamir@hotmail.com)

### Abstract

**Received:**  
2025/01/11  
**Revised:**  
2025/09/04  
**Accepted:**  
2025/11/11  
**Published online:**  
2025/12/22

Today, electronic litigation has been proposed as one of the tools for the transformation of judicial justice. Along with its advantages and opportunities, this new method of litigation also faces challenges that must be evaluated in light of the principles of fair trial. The present study, using a descriptive-analytical approach, conducts a comparative study of the challenges and opportunities of electronic litigation, emphasizing the principles of ensuring justice in the trial process. One of the most important opportunities of electronic litigation is facilitating individuals' access to justice by reducing the costs and time of judicial processes. Greater transparency, the possibility of fully recording court decisions and judicial hearings digitally, and accelerating proceedings are other advantages of this system. However, this development has also created serious challenges that jeopardize the principles of fair trial, such as respecting the right to defense, equality of parties, and the principle of public trial. Examples of these challenges include limited access for individuals without digital capabilities, the possibility of privacy violations in online platforms, and issues related to cybersecurity. Some countries, such as developing countries, face infrastructure problems and insufficient legal preparedness, which in turn can violate the principles of fair trial. Overall, although e-trial is an important opportunity to improve the quality of judicial justice, it may have negative consequences if the requirements of fair trial are ignored.

**Keywords:** E-proceedings, Comparative Study, Fair Trial Principles, Challenges and Opportunities for Fair Trial.

**How To Cite:** Bidram, R & Yavari, Y (2025). A Comparative Study of the Opportunities and Challenges of Electronic Litigation in the Light of Fair Trial, *Comparative studies on Islamic and Western Law*, 12(4), 29-61. <http://www.doi.org/10.22091/csiw.2025.12107.2622>

Published by: University of Qom

©The Author(s)

Article type: Research



## مطالعه تطبیقی فرصت‌ها و چالش‌های دادرسی الکترونیک در پرتو دادرسی منصفانه

رضا بیدرام<sup>۱</sup>، اسداله یآوری<sup>۲</sup>

۱. دانشجوی دکتری حقوق عمومی، دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران (نویسنده مسئول)، رایانامه: [bidramr73@gmail.com](mailto:bidramr73@gmail.com)  
 ۲. دانشیار گروه حقوق دانشگاه شهید بهشتی تهران، ایران، رایانامه: [yavariamir@hotmail.com](mailto:yavariamir@hotmail.com)

### چکیده

امروزه دادرسی الکترونیک به‌عنوان یکی از ابزارهای تحول در عدالت قضایی مطرح شده است. این شیوه نوین دادرسی در کنار مزایا و فرصت‌هایی که دارد، با چالش‌هایی نیز مواجه است که ارزیابی آن‌ها در پرتو اصول دادرسی منصفانه، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است. پژوهش حاضر با استفاده از روش توصیفی تحلیلی به مطالعه تطبیقی چالش‌ها و فرصت‌های دادرسی الکترونیک با تأکید بر اصول تضمین عدالت در فرایند دادرسی می‌پردازد. یکی از مهم‌ترین فرصت‌های دادرسی الکترونیک، تسهیل دسترسی افراد به عدالت از طریق کاهش هزینه‌ها و زمان فرآیندهای قضایی است. شفافیت بیشتر، امکان ثبت کامل آرای دادگاه‌ها و جلسات قضایی به‌صورت دیجیتال و تسریع در رسیدگی‌ها از دیگر مزایای این نظام هستند. با این حال، این تحول چالش‌هایی جدی نیز ایجاد کرده است که اصول دادرسی منصفانه، نظیر رعایت حق دفاع، برابری طرفین و اصل علنی بودن محاکمات را به مخاطره می‌اندازد. نمونه‌هایی از این چالش‌ها شامل محدودیت دسترسی افراد فاقد امکانات دیجیتال، احتمال نقض حریم خصوصی در بسترهای آنلاین و مسائل مرتبط با امنیت سایبری است. برخی کشورها، مانند کشورهای درحال توسعه، با مشکلات زیرساختی و عدم آمادگی حقوقی کافی مواجه هستند که این مسائل به نوبه خود می‌تواند اصول دادرسی منصفانه را نقض کند. در مجموع، هرچند دادرسی الکترونیک فرصتی مهم برای بهبود کیفیت عدالت قضایی است، اما در صورت بی‌توجهی به الزامات دادرسی منصفانه، ممکن است پیامدهایی منفی به همراه داشته باشد.

**کلیدواژه‌گان:** دادرسی الکترونیک، مطالعه تطبیقی، اصول دادرسی منصفانه، چالش‌ها و فرصت‌های دادرسی منصفانه.

تاریخ دریافت:

۱۴۰۳/۱۰/۲۲

تاریخ اصلاح:

۱۴۰۴/۰۶/۱۳

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۴/۰۸/۲۰

تاریخ انتشار

برخط:

۱۴۰۴/۱۰/۰۱

**استناد:** بیدرام، رضا و یآوری، اسداله (۱۴۰۴). مطالعه تطبیقی فرصت‌ها و چالش‌های دادرسی الکترونیک در پرتو دادرسی منصفانه، پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب، ۱۲(۴)، ۶۱-۲۹. <http://www.doi.org/10.22091/csiw.2025.12107.2622>



نوع مقاله: پژوهشی

ناشر: دانشگاه قم © نویسندگان

## مقدمه

با توسعه فزاینده فناوری اطلاعات و ارتباطات در دهه‌های اخیر، نظام‌های حقوقی و قضایی در سراسر جهان شاهد تحولات بنیادین و ظهور رویکردهای نوین در فرایندهای دادرسی بوده است. بهره‌گیری از فناوری در ساحت عدالت قضایی، ضمن گشودن افق‌های جدید، چالش‌های حقوقی قابل تأملی را نیز پیش‌روی اصول بنیادین دادرسی منصفانه، از جمله اصل برابری طرفین، علنی بودن دادرسی، شفافیت و تضمین حق دفاع مؤثر قرار داده است. پژوهش حاضر با اتخاذ روش توصیفی تحلیلی و رویکردی تطبیقی پس از تبیین مفاهیم دادرسی الکترونیک و دادرسی منصفانه و اصول آن، با نظر به نظام حقوقی ایران و سایر کشورها به بررسی فرصت‌ها و چالش‌های دادرسی الکترونیک هم از منظر حقوقی و هم از منظر عمل و فنی در بستر اصول دادرسی منصفانه در سه مرحله از دادرسی شامل دسترسی به دادگاه و جریان رسیدگی دادگاه و اجرای حکم می‌پردازد و طی نتیجه در پایان مقاله به دنبال پاسخ به این پرسش محوری است که آیا پیاده‌سازی دادرسی الکترونیک قادر است، بدون هرگونه خدشه به بنیادهای دادرسی عادلانه به ارتقاء کارآمدی نظام قضایی یاری رساند؟

در صورت تقویت زیرساخت‌های قانونی و فنی لازم، به نحوی که انطباق کامل با الزامات دادرسی منصفانه تضمین گردد، دادرسی الکترونیک می‌تواند به‌عنوان یک سازوکار تحول‌آفرین در جهت کاهش اطاله دادرسی و تسهیل دسترسی شهروندان به عدالت ایفای نقش نماید. دادرسی منصفانه که به مثابه ستون فقرات تضمین حقوق بشر در فرایندهای قضایی تلقی می‌شود، جایگاهی حیاتی در تمامی نظام‌های حقوقی ایفا می‌کند و خدشه‌دار شدن آن، اعتبار و اعتماد عمومی به دستگاه قضا را متزلزل می‌سازد. از این رو، انطباق‌پذیری سازوکارهای دادرسی الکترونیک با این اصل بنیادین، امری اجتناب‌ناپذیر است؛ زیرا بی‌توجهی به این ضرورت، می‌تواند فرصت‌های بالقوه این شیوه نوین را به چالش‌هایی جدی، به‌ویژه در حوزه تحقق عدالت قضایی تبدیل کند.

دادرسی الکترونیک، علی‌رغم قابلیت‌های بارز خود در تسریع فرایندهای قضایی، کاهش اطاله دادرسی و کاهش هزینه‌های طرفین، با مجموعه‌ای از محدودیت‌های ماهوی و ذاتی مواجه است که انطباق یکپارچه

آن با اصول دادرسی منصفانه را به امری پیچیده بدل می‌سازد. چالش‌هایی چون صعوبت در احراز اعتبار و اصالت داده‌های الکترونیکی و مشکلات مربوط به ارائه اثبات و استماع شهادت در جلسات مجازی، از جمله موانع کلیدی در این مسیر محسوب می‌شوند. در این پژوهش ما این فرصت‌ها و چالش‌های دادرسی الکترونیک منصفانه در سه مرحله از دادرسی با تقسیم آن به دو قسم فرصت‌ها و چالش‌ها با ماهیت حقوقی و فرصت‌ها و چالش‌ها با ماهیت عملی بررسی نمودیم. در همین راستا، مطالعات تطبیقی که به بررسی شیوه‌های اجرایی و چالش‌های دادرسی الکترونیک در نظام‌های قضایی گوناگون می‌پردازند، می‌توانند راهکارهای عملی و ارزشمندی برای غلبه بر این موانع و اقتباس مزایا ارائه دهند.

تجارب موفق نظام‌های قضایی پیش‌رو، به صورت بهینه قابل الگوبرداری و انطباق در سایر نظام‌ها خواهد بود. به‌عنوان مثال، برخی کشورهای توسعه‌یافته، با بهره‌گیری از سازوکارهایی نظیر ارجاع امر به کارشناسان فناوری اطلاعات و ارزیابی مستقل داده‌های دیجیتال، تلاش در جهت تضمین اصالت و اعتبار آن‌ها دارند. علاوه بر این، پژوهش‌هایی مانند «محاكمه عادلانه در پرونده‌های پیچیده فناوری: چرا دادگاه‌ها و قضات به درک اساسی از فناوری‌های پیچیده نیاز دارند؟» (کاسترز، ۲۰۲۴) بر ضرورت تعامل قضات با متخصصان فناوری و لزوم ارتقاء دانش تخصصی آن‌ها برای حفظ اصول شفافیت و عدالت تأکید می‌ورزند یا در همین راستا، پایان‌نامه‌ای با نام «اجرای دادرسی الکترونیک در حقوق ایران در پرتو اصول دادرسی منصفانه» (قاسمی، ۱۴۰۱). نیز به چالش‌هایی نظیر مخاطرات نقض حریم خصوصی و لزوم تضمین اصل برابری دسترسی برای تمامی افراد اشاره داشته و بر نقش حیاتی زیرساخت‌های فنی و قانونی مناسب در تسریع رسیدگی و کاهش هزینه‌ها تأکید نموده است. حال در مقاله پیش‌رو با بررسی تطبیقی موضوع و نگاهی نو در پی ارائه راهکارهایی برای انطباق دادرسی الکترونیک با معیارهای عدالت و انصاف قضایی و ارتقاء جایگاه آن در نظام حقوقی مدرن خواهیم بود.

## ۱. مفاهیم

در ابتدای مطلب، چند مفهوم مرتبط با موضوع پژوهش به صورت مختصر بیان و بررسی می‌شوند:

## ۱-۱. تعریف و مفهوم دادرسی الکترونیکی

امروزه، آیین دادرسی به‌عنوان ستون فقرات نظام عدالت، از اهمیت بسزایی برخوردار است. دستیابی به راهکارهای قضایی عادلانه و کارآمد، مستلزم وجود فرایندی است که تضمینات لازم برای طرفین دعوا را در محیطی مستقل و بی‌طرف فراهم آورد. در این میان، اعتبار و اعتماد عمومی به نظام قضایی، ارتباطی مستقیم با تحقق عدالت در فرایندهای دادرسی دارد. ظهور رویکردهای نوین دادرسی، از جمله دادرسی الکترونیکی، ضمن گشودن فرصت‌های تازه، چالش‌هایی را نیز در جهت تحقق اصول بنیادین آیین دادرسی ایجاد نموده است. به‌طور سنتی، آیین دادرسی به دو شاخه اصلی حقوقی و کیفری تقسیم می‌شد، اما در سال‌های اخیر، تحولات ساختاری منجر به تدوین اصول و قواعدی جامع‌تر شده است تا شیوه‌های دادرسی در تمامی ساحت‌ها، از اختلافات مدنی تا دعاوی کیفری و اداری، به صورت یکپارچه و هماهنگ مدیریت شوند (یاوری، ۱۳۸۳: ۱۰).

دادرسی الکترونیکی، به رویکردی اطلاق می‌شود که در آن از فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات در کلیه مراحل فرایند رسیدگی قضایی بهره‌برداری می‌شود. هدف غایی این شیوه، تسهیل و تسریع فرآیندهای دادرسی، از مرحله بدوی ثبت شکایات تا صدور و ابلاغ نهایی احکام از طریق بستر دیجیتال است. این رویکرد نوین، به‌عنوان یکی از نوآوری‌های کلیدی در نظام‌های قضایی معاصر شناخته می‌شود. با اتکا به ابزارهایی نظیر سامانه‌های آنلاین ثبت لوایح، برگزاری جلسات دادرسی مجازی و ارائه مستندات به صورت الکترونیکی، فرایندهای رسیدگی تسهیل و تسریع می‌یابد. دادرسی الکترونیکی، پاسخی به پیچیدگی‌های دنیای امروز و نیاز مبرم به کاهش زمان و هزینه‌های مرتبط با دادرسی‌های سنتی محسوب شده و به‌عنوان نمادی از تحول دیجیتال در نظام عدالت قلمداد می‌گردد (Alam & Luthfi, 2021: 36). در نظام حقوقی مدرن، دادرسی الکترونیکی نقشی محوری در بهبود دسترسی به عدالت و ارتقاء کارآمدی سیستم قضایی ایفا می‌کند. با پیشرفت فزاینده فناوری و دیجیتالی شدن بخش‌های گسترده‌ای از جامعه، ضرورت به‌کارگیری فناوری در فرایند دادرسی، به ویژه در جوامع پرجمعیت و پیچیده، بیش‌ازپیش احساس می‌شود.

ابزارها و پلتفرم‌های الکترونیکی، امکاناتی چون ثبت دعاوی بدون نیاز به مراجعه حضوری، ارائه مدارک و مستندات از راه دور و حتی برگزاری جلسات دادگاه به صورت مجازی را فراهم می‌آورند؛ این مؤلفه‌های الکترونیکی، وجوه تمایز بنیادین آن با دادرسی سنتی را شکل می‌دهند (Zalnieriute & Bell, 2020: 14).

این سیستم‌ها، علاوه بر کاهش حجم پرونده‌ها و بوروکراسی اداری، دسترسی به عدالت را برای افراد محروم از امکانات جغرافیایی، مالی یا جسمانی برای حضور در محاکم سنتی تسهیل می‌نمایند. در ایران، متولی دادرسی غیرالکترونیک در هر حوزه قضایی دادگاه مستقر در آن حوزه است، اما متولی دادرسی الکترونیک و اجرای تشریفات سامانه دادرسی الکترونیک، مرکز آمار و فناوری اطلاعات قوه قضائیه است که در این شیوه دادرسی کلیه امور از طریق سامانه خدمات الکترونیک (سنا) انجام می‌گیرد (وحدتی و دیگران، ۱۳۹۹: ۱۲).

## ۲-۱. اصول دادرسی منصفانه

اصول دادرسی منصفانه، به مثابه سنگ بنای حقوق بشر و تضمین‌کننده عدالت در نظام‌های قضایی، نقش حیاتی در حمایت از حقوق طرفین در فرایندهای دادرسی ایفا می‌کنند. این اصول که ریشه در اسناد معتبر بین‌المللی حقوق بشر، از جمله ماده ۱۴ میثاق بین‌المللی حقوق مدنی و سیاسی دارند، بر پایه مبانی حقوقی و اخلاقی استوار گشته و هدف اصلی آن‌ها، تضمین بی‌طرفی و اجرای صحیح و عادلانه قانون در روند رسیدگی به دعاوی است. دادرسی منصفانه، به معنای برقراری تعادل میان حقوق و منافع کلیه ذی‌نفعان دعوا (اعم از خواهان و خوانده یا متهم و مدعی‌العموم) و جلوگیری از هرگونه سوءاستفاده از قدرت یا اعمال تبعیض ناروا توسط مقامات قضایی است. این اصول، ستون فقرات دادرسی‌های کیفری، حقوقی و حتی اداری را تشکیل می‌دهند (محسنی و بهشتی پور، ۱۴۰۰: ۱۳۶).

در میان مؤلفه‌های کلیدی دادرسی منصفانه، اصل بی‌طرفی و استقلال قضات و دادگاه‌ها از جایگاهی والا برخوردار است. قضات در مقام تصمیم‌گیری، مکلف به رعایت استقلال کامل بوده و باید از هرگونه وابستگی یا تأثیرپذیری از عوامل خارجی مصون باشند. مفهوم بی‌طرفی ایجاب می‌نماید که قاضی، پیش‌داوری‌ها و سوگیری‌های شخصی را در فرایند رسیدگی کنار گذاشته و صرفاً بر مبنای ادله موجود و

موازن قانونی اتخاذ تصمیم نماید. به موازات آن، اصل استقلال دادگاه‌ها، بر ضرورت عدم وابستگی نهادهای قضایی به قوای سه‌گانه، به‌ویژه قوه مجریه و سایر نهادهای حکومتی تأکید دارد. تلفیق این دو اصل، شالوده یک رسیدگی بی‌طرفانه و عادلانه را بنا می‌نهد (Berutu et al, 2022 : 165).

اصل علنی بودن دادرسی، از دیگر ارکان بنیادین دادرسی منصفانه محسوب می‌شود. برگزاری علنی جلسات دادگاه، علاوه بر آنکه مانعی در برابر سوءاستفاده‌های احتمالی از سوی مسئولان قضایی محسوب می‌شود، شفافیت فرایندهای قضایی را تضمین کرده و به تقویت اعتماد عمومی به عدالت قضایی یاری می‌رساند. البته در شرایطی که امنیت ملی یا حقوق خصوصی افراد در معرض خدشه قرار گیرد، این اصل می‌تواند با محدودیت‌های استثنایی مواجه شود؛ لکن این محدودیت‌ها باید به‌عنوان موارد استثنایی تلقی گردند، چراکه درنهایت، برقراری عدالت و شفافیت قضایی اولویت اصلی باقی می‌ماند (Hall, 2022 : 36). دادرسی علنی، با فراهم آوردن بستر دسترسی عمومی به اطلاعات و روند رسیدگی‌ها، نظارت جامعه بر عملکرد دستگاه قضایی را تسهیل نموده و به ارتقاء شفافیت و پاسخگویی در سیستم عدالت کمک شایانی می‌نماید.

### ۳-۱. ارتباط دادرسی الکترونیک با دادرسی منصفانه

رابطه میان دادرسی الکترونیک و دادرسی منصفانه، رابطه‌ای پیچیده و چندوجهی است که قابلیت ارتقاء عدالت قضایی را دارد، اما هم‌زمان چالش‌هایی را نیز برای صیانت از اصول بنیادین دادرسی عادلانه ایجاد می‌کند. ظهور فناوری‌های نوین در فرایندهای دادرسی، بستری را فراهم آورده است که افراد امکان دسترسی سریع‌تر، کم‌هزینه‌تر و تسهیل شده‌تر به عدالت را می‌یابند. این تحول دیجیتال در نظام قضایی، از طریق کاهش فاصله‌های جغرافیایی، رفع محدودیت‌های زمانی و کاهش هزینه‌های دادرسی، فرصتی مغتنم برای همگانی‌سازی دسترسی به عدالت فراهم می‌آورد. با این حال، استقرار عدالت در بستر فضای مجازی، مستلزم رعایت الزامات و تضمیناتی است که اصول بنیادین دادرسی منصفانه را پاس دارد. این الزامات شامل صیانت از استقلال و بی‌طرفی قضایی، تأمین فرصت برابر برای دفاع طرفین و تضمین علنی بودن رسیدگی‌ها در شکلی متناسب با فضای دیجیتال است (هاشم الخفاجی، ۱۴۰۳: ۲۴).

یکی از سازوکارهای اصلی دادرسی الکترونیک، برگزاری جلسات دادرسی به صورت مجازی است که دسترسی به عدالت را تسهیل می‌بخشد. با این وجود، این شیوه ممکن است در مقایسه با دادرسی حضوری، چالش‌هایی را برای رعایت برخی از اصول دادرسی منصفانه پدید آورد. به‌عنوان مثال، در جلسات مجازی، حق مواجهه مستقیم طرفین دعوا با قاضی و شهود و نیز امکان برقراری تعاملات بصری و غیرکلامی که در دادرسی سنتی وجود دارد تا حدودی محدود می‌شود. افزون بر این، اختلالات فنی احتمالی یا عدم دسترسی یکسان طرفین به فناوری‌های لازم، می‌تواند بر اصل برابری در ارائه دفاعیات و احقاق حقوق تأثیر منفی بگذارد. ماهیت ادله الکترونیکی و روند مکانیزه شدن فرایندهای قضایی، می‌تواند پیامدهای قابل توجهی برای دادرسی منصفانه در پی داشته باشد (Balatska & Lotysh, 2024: 11). هرچند شفافیت و نظم ناشی از مستندسازی دیجیتال، فرصت‌هایی را برای کاهش فساد و افزایش کارآمدی فراهم می‌آورد، اما چالش‌هایی همچون ضرورت احراز اصالت و تمامیت داده‌های الکترونیکی و همچنین عدم جامعیت قوانین حمایتی و ضعف در ارزیابی و پذیرش این گونه ادله، می‌تواند عدالت را در معرض مخاطره قرار دهد. به‌طور اخص، ادله‌ای که از طریق فناوری‌های پیشرفته نظیر هوش مصنوعی یا تحلیل داده‌ها حاصل می‌شوند، ممکن است با قواعد سنتی حقوقی، از جمله حق دفاع برابر و حق اعتراض به اعتبار ادله در تضاد قرار گیرند.

در چارچوب دادرسی الکترونیک، رعایت اصول حاکمیتی چون علنی بودن دادرسی و دسترسی برابر به عدالت، نیازمند توجهی مضاعف است. استفاده از بسترهای مجازی و محدودیت‌های زیرساختی، به ویژه در مناطق کمتر توسعه‌یافته یا برای اقشار محروم، می‌تواند مانع دسترسی به دادرسی الکترونیک شده و شکاف دیجیتالی را تعمیق بخشد؛ این امر به نوبه خود، اصل برابری افراد در برابر قانون را نقض می‌کند. همچنین، علنی بودن دادرسی‌ها باید از طریق فراهم نمودن امکان پنخس عمومی جلسات مجازی و سازوکارهای نظارتی مؤثر بر روندها تضمین شود، هرچند اجرای عملی این امر با موانع فنی و ملاحظات مربوط به حفظ حریم خصوصی همراه است و در صورت عدم رعایت، می‌تواند اعتبار عمومی به عدالت را مخدوش سازد. رابطه میان دادرسی الکترونیک و دادرسی منصفانه، به‌طور تنگاتنگی به نحوه طراحی، پیاده‌سازی و اجرای

سامانه‌های قضایی دیجیتال وابسته است (مرادی، ۱۳۹۷: ۷۸). در صورتی که نظام‌های دیجیتال به نحو مقتضی با اصول دادرسی منصفانه انطباق یابند و زیرساخت‌های حمایتی و قوانین لازم برای صیانت از حقوق طرفین فراهم گردد، دادرسی الکترونیک می‌تواند به ارتقاء عدالت و کارآمدی نظام قضایی کمک نماید. اما اگر این ابزارها بدون توجه به معیارهای دادرسی منصفانه و بدون آمادگی زیرساختی مناسب پیاده‌سازی شوند، ممکن است به تضعیف عدالت قضایی و تشدید نابرابری‌ها منجر گردند (مقصودپور و متقی شهری، ۱۴۰۱: ۱۶۵). بنابراین، طراحی و اجرای دادرسی الکترونیک، نیازمند نگاهی عمیق به اصول دادرسی منصفانه است تا این دو مفهوم، در هم‌افزایی، موجبات تحقق عدالت در عصر دیجیتال را فراهم آورند.

### ۳. فرصت‌های دادرسی الکترونیک در پرتو دادرسی منصفانه

دادرسی الکترونیک می‌تواند با بهبود دسترسی به عدالت، تضمین شفافیت بیشتر و افزایش کارایی فرایندهای قضایی، اصول دادرسی منصفانه را تقویت کند. به‌عنوان مثال، استفاده از سیستم‌های مدیریت پرونده دیجیتال، امکان دسترسی سریع‌تر به اسناد و شواهد را برای طرفین دعوا فراهم می‌سازد و درک بهتری از موضوعات پرونده ایجاد می‌کند. در ادامه برخی از این فرصت‌ها بیان می‌شوند:

#### ۳-۱. فرصت‌های حقوقی

دادرسی الکترونیک، با ایجاد سازوکارهای نوین در حوزه حقوقی، پتانسیل ارتقاء اصول دادرسی منصفانه و تسهیل دسترسی به عدالت را دارا است. یکی از برجسته‌ترین این فرصت‌ها، افزایش دسترسی فراگیر به نظام قضایی محسوب می‌شود. در نظام‌های حقوقی متعدد، مکانیزم‌هایی نظیر ثبت الکترونیکی پرونده‌ها و بهره‌گیری از سامانه‌های مدیریت پرونده دیجیتال، منجر به کاهش زمان رسیدگی و تسریع در تحقق عدالت شده است. کشورهایی در اروپا، همچون فنلاند و نروژ با سرمایه‌گذاری راهبردی در سامانه‌های مدیریت الکترونیکی پرونده، در صف پیشگامان این تحول دیجیتال قرار گرفته‌اند.

علاوه بر این، ارتقاء شفافیت در فرایندهای قضایی، از دیگر مزایای ملموس بهره‌گیری از فناوری در ساحت دادرسی است. استفاده از پلتفرم‌های الکترونیکی، ضمن فراهم آوردن امکان برگزاری جلسات دادگاه به صورت مجازی، زمینه را برای مشارکت گسترده‌تر عمومی و دسترسی عمیق‌تر به اطلاعات حقوقی فراهم

می‌آورد. این امر به نوبه خود، اعتماد عمومی به نظام قضایی را تقویت می‌نماید. در همین راستا، کشورهای اروپایی با به‌کارگیری راهکارهایی چون سیستم‌های مدیریت دیجیتال دعاوی، در جهت کاهش تراکم پرونده‌ها و استقرار استانداردهای یکپارچه در فرایندهای قضایی گام برداشته‌اند (انصاف دوست و دیگران، ۱۴۰۲: ۸۵). همچنین، دادرسی الکترونیک می‌تواند فرصت‌های نوینی را برای بسط دفاع حقوقی، به‌ویژه برای متهمین، فراهم آورد.

قابلیت ارائه الکترونیکی شواهد و دسترسی به مستندات مرتبط، بدون نیاز به حضور فیزیکی در دادگاه، به ارتقاء عدالت و کاهش هزینه‌های طرفین یاری می‌رساند. این قابلیت، در کشورهایی همچون ایالات متحده آمریکا که از زیرساخت‌های پیشرفته برای ارائه شواهد دیجیتال بهره‌مندند، روند دادرسی را به نحو چشمگیری تسهیل کرده است. با این حال، بهره‌گیری کامل از این فرصت‌ها، مستلزم اصلاح چارچوب‌های قانونی و ارتقای سواد دیجیتال کاربران است. علی‌رغم چالش‌های موجود در برخی کشورها، نظیر ایتالیا، در زمینه دیجیتال‌سازی جامع سیستم‌های قضایی، تجارب کشورهای پیشرو حاکی از آن است که فرهنگ‌سازی و بهبود قابلیت‌های فنی، نقشی تعیین‌کننده در موفقیت این رویکرد ایفا می‌کند (مبادری و دیگران، ۱۴۰۳: ۱۵۴). در جمع‌بندی، تحول ناشی از دادرسی الکترونیک، بستری مساعد برای ارتقاء عدالت و شفافیت قضایی فراهم می‌آورد؛ اما موفقیت پایدار این فرایند، منوط به تدوین چارچوب‌های حقوقی جامع، به‌ویژه در حوزه پذیرش و اعتبارسنجی ادله الکترونیکی، تضمین امنیت داده‌ها و صیانت از حریم خصوصی و همچنین انطباق با الزامات و نیازهای بومی هر جامعه است.

### ۳-۱-۱. دسترسی به دادگاه

دادرسی الکترونیک، با فراهم آوردن فرصتی یگانه در جهت تسهیل دسترسی به مراجع قضایی، نقشی حیاتی در تقویت اصول دادرسی منصفانه ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین پیامدهای مثبت این رویکرد، کاهش ضرورت حضور فیزیکی در جلسات دادرسی است؛ امری که به ویژه برای شهروندان ساکن مناطق دورافتاده یا افرادی که دارای محدودیت‌های حرکتی هستند، حائز اهمیت است. این سیستم با بهره‌گیری از فناوری‌های ارتباطی پیشرفته، امکان مشارکت فعال و مستقیم در جلسات دادگاه را از دورترین نقاط جغرافیایی فراهم

می‌آورد و بدین ترتیب، مانع بزرگی چون فاصله جغرافیایی را از میان برمی‌دارد. افزون بر این، دادرسی الکترونیک به‌طور چشمگیری هزینه‌های مرتبط با حضور در دادگاه را کاهش می‌دهد. هزینه‌های حمل‌ونقل، اقامت و سایر مخارج جانبی که به‌طور سنتی بار مالی سنگینی بر دوش طرفین دعوا تحمیل می‌کرد، با استفاده از فناوری‌های دیجیتال به حداقل می‌رسد. از این‌رو، فشار مالی وارده بر افراد کم‌بضاعت کاسته شده و دسترسی به عدالت برای عموم، عادلانه‌تر و همگانی‌تر می‌گردد.

علاوه بر این، دادرسی الکترونیک فرصتی را برای تسریع فرایندهای دادرسی فراهم می‌سازد که به نوبه خود، یکی از اصول بنیادین دادرسی منصفانه، یعنی «رسیدگی در زمان معقول» را تقویت می‌کند. (Wood, 2021: 55) قابلیت برگزاری جلسات و ارائه مستندات به صورت آنلاین، به کاهش تأخیرهای زمانی و افزایش سرعت رسیدگی به پرونده‌ها منجر می‌شود. این امر، ضمن ارتقاء تصور عمومی نسبت به نظام قضایی، کارآمدی فرایندهای قضایی را افزایش داده و دسترسی به عدالت را تسریع می‌بخشد. دادرسی الکترونیک، شفافیت فرایندهای قضایی را نیز بهبود می‌بخشد؛ چراکه سامانه‌های ثبت و آرشیو دیجیتال، امکان پیگیری دقیق‌تر مراحل دادرسی را برای طرفین فراهم می‌آورند. در نتیجه، استفاده از فناوری‌های نوین، زمینه‌ساز اجرای عدالت سریع و شفاف می‌گردد. همچنین، این سیستم می‌تواند مشارکت شهروندان در فرایند دادرسی را افزایش دهد؛ زیرا امکان پیگیری و تعامل آسان‌تر با پرونده‌ها و وضعیت آن‌ها را فراهم می‌سازد. این ویژگی در نهایت به ارتقاء سطح رضایتمندی از نظام قضایی و تقویت حاکمیت قانون کمک خواهد کرد و فرصت‌های دستیابی به عدالت را برای عموم تسهیل می‌نماید. مجموع این فرصت‌ها، نشان‌دهنده نقش مهم و مؤثر دادرسی الکترونیک در ارتقای اصول دادرسی منصفانه و دسترسی گسترده‌تر به عدالت است.

در زمینه تجارب تطبیقی، کشورهای انگلستان و چین با پیاده‌سازی گسترده دادگاه‌های آنلاین، الگوهای موفق را در دیجیتالی‌سازی سیستم قضایی ارائه داده‌اند و رویکردهای آن‌ها به‌عنوان الگویی برای جامعه جهانی مطرح شده است (Setiyanto et al, 2023: 69). کشورهای حوزه بالتیک، شامل استونی، لیتوانی و لتونی، نیز با توسعه سامانه‌های پیشرفته مدیریت پرونده و بهره‌گیری از فناوری‌های الکترونیک، در تسهیل دسترسی به دادگاه‌ها پیشگام بوده‌اند؛ این سامانه‌ها تعامل ساده‌تر و سریع‌تر میان طرفین دادرسی را ممکن

می‌سازند (Putra, 2020: 179). در اروپا، توسعه فناوری اطلاعات در سیستم‌های قضایی، فرآیندهایی چون مدیریت پرونده‌ها و ثبت الکترونیکی اسناد را تسهیل کرده است. این رویکردها، افزون بر بهبود بهره‌وری سیستم‌های قضایی با تسهیل فرآیندها، تضمین نموده‌اند که افراد به شیوه‌ای عادلانه و به‌موقع به دادگاه‌ها دسترسی یابند. کشورهای نظیر فنلاند و نروژ، از طریق اتخاذ سامانه‌های سازگار و همکاری‌های بین‌مرزی، در تقویت دسترسی دیجیتال به دادگاه‌ها موفق عمل کرده‌اند (راسته و دیگران، ۱۴۰۰: ۱۴).

با وجود این دستاوردها، چالش‌هایی نظیر مقاومت در برابر پذیرش فناوری از سوی قضات و وکلا و نیز مشکلات مربوط به زیرساخت‌های فنی در برخی کشورها (مانند ایتالیا) همچنان مشهود است. این مسائل نشان دهنده آن است که صرفاً بازتولید فرآیندهای سنتی در قالب دیجیتال، بدون بازنگری و انطباق قوانین موجود با ماهیت الکترونیکی این فرآیندها، می‌تواند مزایای این تحولات را محدود سازد (Cahyono et al, 201: 2023). از این رو، الکترونیکی شدن دادگاه‌ها فرصتی بی‌بدیل برای بهبود دسترسی به عدالت فراهم آورده است، اما بهره‌برداری مؤثر از این سیستم‌ها، مستلزم هماهنگی دقیق سیاست‌گذاری‌های قانونی با نیازهای اقتصادی دیجیتال هر کشور است.

### ۳-۱-۲. جریان رسیدگی

دادرسی الکترونیک، با بهره‌گیری گسترده از فناوری‌های دیجیتال، پتانسیل قابل توجهی برای بهبود و افزایش کارآمدی جریان رسیدگی قضایی دارا است. کشورهای مختلف با اتخاذ رویکردهایی نظیر به‌کارگیری سیستم‌های مدیریت پرونده دیجیتال و برگزاری جلسات دادرسی از طریق ویدئوکنفرانس، تلاش کرده‌اند تا زمان رسیدگی به پرونده‌های قضایی را کاهش داده و جریان دادرسی را تسریع بخشند. به‌عنوان مثال، در فنلاند و نروژ، استقرار سامانه‌های پیشرفته مدیریت پرونده، موجب تبادل مؤثر اطلاعات میان طرفین شده و فرایند رسیدگی را بهینه ساخته است (Wiśniewski, 2023: 169). در نقطه مقابل، کشورهایی چون ایتالیا به دلیل چالش‌های موجود در دیجیتالی‌سازی مؤثر فرایندها و عدم انطباق قوانین و رویه‌های آیینی با تحولات فناورانه، با محدودیت‌هایی در تسریع جریان رسیدگی مواجه هستند که این امر، کارآمدی نظام دادرسی را محدود می‌سازد (Sourdin et al, 2019: 198).

شیوع پاندمی کووید-۱۹ در برخی کشورها، از جمله روسیه، ضرورت به کارگیری دادرسی الکترونیک را بیش از پیش نمایان ساخت. این کشور با استفاده از پلتفرم‌های دیجیتال برای تشکیل جلسات دادگاه و ثبت اسناد، شاهد بهبود قابل ملاحظه‌ای در جریان رسیدگی، از جمله کاهش چشمگیر زمان جلسات بود. با این حال، پذیرش و به کارگیری مؤثر ادله الکترونیکی، همچنان نیازمند اصلاحات قانونی و تدوین چارچوب‌های حمایتی مشخص‌تر است (Justin et al, 2018: 87). علاوه بر این، در کشورهایی که در حوزه دادرسی الکترونیک پیشرو هستند، مانند انگلستان و چین، دادگاه‌های آنلاین با حذف موانع فیزیکی، امکان رسیدگی سریع‌تر و دسترس‌پذیرتر را فراهم آورده و روند دادرسی را تسریع نموده‌اند (Kurniawan et al, 2022:141).

بنابراین بهبود جریان رسیدگی‌ها از طریق مرتفع ساختن موانع زمانی و جغرافیایی، یکی از مهم‌ترین فرصت‌های دادرسی الکترونیک تلقی می‌شود که می‌تواند به تحقق اصل «رسیدگی در زمان معقول» در چارچوب دادرسی منصفانه کمک شایانی نماید. با این حال، بازنگری مستمر و انطباق قوانین مرتبط با جریان رسیدگی دیجیتال توسط سیاست‌گذاران، امری ضروری است تا بدین ترتیب، عدالت منصفانه تضمین گردد و گروه‌های آسیب‌پذیر از دسترسی به این تحولات محروم نمانند.

### ۳-۱-۳. اجرای حکم

اجرای حکم به‌عنوان یکی از نقاط عطف و حساس در چرخه فرآیند قضایی، از طریق دادرسی الکترونیک، امکانات جدیدی را برای ارتقاء سرعت، شفافیت و دسترسی به عدالت در مرحله اجرا فراهم آورده است. در کشورهایی چون استونی و دانمارک، بکارچهره‌سازی راهبردی فناوری دیجیتال در سامانه‌های قضایی، منجر به بهبود چشمگیر در روند اجرای احکام شده است. این کشورها با توسعه سیستم‌هایی که قابلیت ردیابی آنی وضعیت اجرای حکم و ارائه خدمات الکترونیکی مرتبط، از جمله ابلاغ دیجیتال احکام را میسر می‌سازند، به افزایش کارایی و کاهش تأخیرهای بوروکراتیک دست یافته‌اند (Zulaeha, 2023: 69). در سوی دیگر، کشورهایی که از نظر زیرساخت‌های فناورانه در وضعیت ضعیف‌تری قرار دارند، مانند بسیاری از کشورهای قاره آفریقا، کماکان به روش‌های سنتی و زمان‌بر برای اجرای احکام اتکا دارند. این

شکاف فناورانه، نابرابری فاحشی را در زمینه یکپارچه‌سازی سیستم‌های الکترونیکی در فرایند اجرای احکام میان کشورها آشکار می‌سازد (Legg, 2021: 141). با این حال، تجارب موفق کشورهای پیشرفته می‌تواند به‌عنوان الگویی ارزشمند برای بهبود این سیستم‌ها در کشورهایی با زیرساخت‌های محدود، مورد استفاده قرار گیرد.

در سطح اتحادیه اروپا نیز، همکاری‌های بین‌المللی و انعقاد توافق‌نامه‌ها، از جمله در خصوص اجرای احکام برون‌مرزی، از طریق پلتفرم‌های دیجیتال تسهیل یافته است. این همکاری‌ها، با بهره‌گیری از فناوری، امکان تبادل سریع اطلاعات و نظارت مؤثر بر عملکرد اجرایی را فراهم می‌آورند و مصداقی از تحقق عدالت بین‌المللی در عصر دیجیتال محسوب می‌شوند (Tamanaha, 2022: 257). این فرصت‌ها، مؤید این نکته است که تمرکز بر فناوری و بازنگری در فرایندهای سنتی، به نظام قضایی اجازه می‌دهد تا قابلیت اجراپذیری و کارایی بالاتری را در صدور و اجرای احکام قضایی به دست آورد، امری که مستقیماً به تقویت عدالت و اطمینان از احقاق حق یاری می‌رساند. در این میان، ایجاد چارچوب‌های قانونی مناسب و افزایش سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌های فناوری در کشورهای مختلف، شرط بنیادین موفقیت در این عرصه تلقی می‌گردد.

### ۲-۳. فرصت‌های عملی

دادرسی الکترونیک فرصت‌های زیادی برای تقویت اصول دادرسی منصفانه فراهم می‌کند. مهم‌ترین جنبه آن افزایش دسترسی به اطلاعات حقوقی است؛ سامانه‌های دیجیتالی افراد را قادر می‌سازند تا به اطلاعاتی نظیر اسناد قضایی، برنامه دادگاه‌ها و قوانین دسترسی داشته باشند، به‌ویژه برای گروه‌های حاشیه‌نشین که با موانع سنتی مواجه‌اند، در ادامه مهم‌ترین این فرصت‌ها بیان می‌شوند:

#### ۱-۲-۳. دسترسی به دادگاه

دادرسی الکترونیک با فراهم آوردن فرصتی بی‌بدیل در جهت بهبود دسترسی به مراجع قضایی، نقشی محوری در تقویت اصول دادرسی منصفانه ایفا می‌کند. یکی از مهم‌ترین مزایای این رویکرد، کاهش ضرورت حضور فیزیکی در جلسات دادرسی است؛ امری که به ویژه برای شهروندان ساکن مناطق جغرافیایی دور یا افرادی

که با محدودیت‌های حرکتی مواجه هستند، حائز اهمیت است. این سیستم با بهره‌گیری از فناوری‌های ارتباطی نوین، امکان مشارکت فعال و مستقیم در فرایند دادرسی را از اقصی نقاط جغرافیایی فراهم می‌آورد و از این طریق، مانع بنیادین فاصله جغرافیایی را مرتفع می‌سازد. افزون بر این، دادرسی الکترونیک به‌طور چشمگیری هزینه‌های مرتبط با حضور در دادگاه را کاهش می‌دهد. مخارج حمل‌ونقل، اقامت و سایر هزینه‌های جانبی که به‌طور سنتی بار مالی قابل توجهی بر دوش طرفین دعوا تحمیل می‌کرد، با استفاده از فناوری‌های دیجیتال به حداقل می‌رسد. این امر از بار مالی وارده بر اқشار کم‌بضاعت کاسته و دسترسی به عدالت را برای عموم، همگانی‌تر و عادلانه‌تر می‌سازد.

همچنین، دادرسی الکترونیک فرصتی را برای تسریع فرایندهای دادرسی فراهم می‌آورد که به نوبه خود، یکی از اصول بنیادین دادرسی منصفانه، یعنی «رسیدگی در زمان معقول» را تقویت می‌کند (Wood, 2021: 55). قابلیت برگزاری جلسات و ارائه مستندات به صورت آنلاین، منجر به کاهش تأخیرهای زمانی و افزایش سرعت در رسیدگی به پرونده‌ها می‌شود. لذا علاوه بر ارتقاء برداشت عمومی نسبت به دستگاه قضایی، کارآمدی رسیدگی به دعاوی به شکل مؤثرتر و سریع‌تر افزایش یافته و دسترسی به عدالت تسریع می‌گردد. افزون بر این، دادرسی الکترونیک به ارتقای شفافیت فرایندهای قضایی کمک می‌کند. با استقرار سامانه‌های ثبت و آرشیو دیجیتال، امکان پیگیری دقیق‌تر مراحل دادرسی برای طرفین فراهم می‌شود و شفافیت در فرایند قضایی افزایش می‌یابد که این امر به نوبه خود موجب ارتقای اعتماد عمومی به نظام قضایی می‌گردد. در نتیجه، استفاده از فناوری‌های نوین، دادرسی الکترونیک را به بستری برای اجرای عدالت سریع و شفاف بدل می‌سازد. علاوه بر موارد مذکور، این سیستم می‌تواند مشارکت شهروندان در فرایند دادرسی را تعمیق بخشد؛ زیرا امکان پیگیری و تعامل آسان‌تر با پرونده‌ها و وضعیت آن‌ها را میسر می‌سازد. این قابلیت، در نهایت به ارتقاء سطح رضایتمندی از نظام قضایی و تحکیم حاکمیت قانون یاری رسانده و فرصت‌های دستیابی به عدالت را برای عموم تسهیل می‌نماید. تمامی این فرصت‌ها، مؤید نقش برجسته و مؤثر دادرسی الکترونیک در ارتقای اصول دادرسی منصفانه و تسهیل دسترسی گسترده‌تر به عدالت است.

### ۳-۲-۲. جریان رسیدگی

اجرای دادرسی الکترونیک به عنوان یک فرصت عملی در جریان رسیدگی قضایی، با تأثیرگذاری بر کارآمدی و عادلانه تر شدن فرایندهای قضایی، نقشی محوری در تقویت دادرسی منصفانه ایفا می کند. در کشورهای چون سوئیس و برزیل، پیاده سازی سیستم های دادرسی الکترونیک نتایج مثبتی را در بهبود روند قضایی به ارمغان آورده است. سوئیس، با اجرای طرح «Justitia 4.0» که بر تسهیل ارتباط الکترونیکی میان مقامات قضایی، طرفین دعوا و وکلا تمرکز دارد، توانسته است بهبود قابل توجهی را در مدیریت پرونده های مدنی و کیفری رقم زند (Yulianto & Sugiri, 2022: 431). در برزیل، سیستم «پروسه قضایی الکترونیک» (PJE) که تقریباً تمامی درخواست های قضایی جدید را به صورت الکترونیکی در دادگاه های بدوی دریافت می کند، به کاهش تراکم پرونده ها و تسریع در حل و فصل دعاوی کمک کرده و به تقویت اصول محاکمه منصفانه یاری رسانده است. این تجربه قدرت فناوری را در ارتقاء کارآمدی جریان رسیدگی، تسهیل دسترسی به عدالت و امکان برگزاری جلسات دادگاه بدون نیاز به حضور فیزیکی به نمایش می گذارد (Kamello & Sastro, 2023: 68).

در سطح جهانی، کشورهایی که بهره وری سیستم های قضایی خود را از طریق دادرسی الکترونیک ارتقا داده اند، با اجرای پلتفرم های آنلاین، زمان پردازش پرونده ها را به طور چشمگیری کاهش داده اند. استونی، با پذیرش ابتکار جامع دادرسی الکترونیک، به ارتقاء شفافیت و دسترسی عمومی به منابع قانونی دست یافته است که نمونه ای موفق در کاربرد فناوری در فرایندهای دادرسی محسوب می شود. با این حال، چالش هایی نیز در این زمینه وجود دارد؛ از جمله لزوم حفظ و رعایت حقوق اساسی، نظیر حق بر دادرسی منصفانه که باید در محیط های الکترونیک به طور کامل تضمین شود. شکاف دیجیتالی به عنوان مانعی بالقوه در مسیر اجرای عادلانه عدالت، می تواند به نتایج نابرابر منجر گردد. از این رو، کشورها مکلفند با اتخاذ تدابیر لازم و پرداختن دقیق به این مسائل، اجرای دادرسی الکترونیک را به گونه ای هدایت کنند که ضمن ارتقای کارآمدی، حقوق قانونی طرفین نیز به نحو مقتضی حفظ گردد و فرصت های عملی آن به طور کامل محقق شود (Norstrom & Hahdini, 2022: 44).

در نهایت، توانمندی دادرسی الکترونیک در تقویت نظام‌های قضایی و حمایت از استانداردهای دادرسی منصفانه، در گستره جهانی امری آشکار است. با این وجود، اتخاذ رویکردی نقادانه نسبت به اجرای آن، ضرورتی اجتناب‌ناپذیر است تا از مزایای فناوری در فرایند دادرسی به بهترین شکل ممکن بهره‌برداری شود و فرصت‌های عملی آن به‌طور کامل تحقق یابد.

### ۳-۲-۳. اجرای حکم

اجرای حکم به‌عنوان یک مرحله حیاتی و فرصتی عملی در فرایند دادرسی الکترونیک، نقش مهمی در تسهیل فرآیندهای قضایی و تقویت دادرسی منصفانه ایفا می‌کند. در نظام‌های حقوقی مختلف، رویکردهای گوناگونی برای اجرای احکام قضایی، به ویژه در حوزه بین‌المللی، اتخاذ شده است که مؤید تنوع سیستم‌های حقوقی و چارچوب‌های قانونی موجود است. در کشورهایی چون انگلستان و ولز، اجرای احکام خارجی بر اساس مقررات اتحادیه اروپا، به ویژه مقررات ۲۰۱۲/۱۲۱۵، انجام می‌پذیرد. این مقررات به احکام صادره از کشورهای عضو اتحادیه اروپا اجازه می‌دهد تا بدون نیاز به رسیدگی مجدد به ماهیت دعوا، به رسمیت شناخته شوند. چنین رویکردی، منجر به افزایش قابلیت پیش‌بینی و کارایی در فرایند اجرای احکام می‌گردد.

در مقابل برخی کشورها، نظیر کشورهای حوزه کارائیب و برخی کشورهای آفریقایی، برای به رسمیت شناختن احکام خارجی صادره از کشورهای عضو مشترک‌المنافع بریتانیا، از قانون اجرای عدالت مصوب ۱۹۲۰ بهره می‌برند. این قانون چارچوبی ساختارمند برای اجرای احکام خارجی ارائه می‌دهد و نشان دهنده تفاوت‌های موجود در رویکردهای ملی به اجرای احکام است. این تنوع ناشی از شرایط خاص هر کشور، از جمله الزامات متقابل و یا به رسمیت شناختن متقابل است که رعایت آن‌ها پیش از اجرای حکم ضروری است. در سطح بین‌المللی، چالش اصلی در اجرای احکام خارجی به تفاوت میان چارچوب‌های قانونی و اصولی بازمی‌گردد که کشورها در فرآیند به رسمیت شناختن احکام خارجی اعمال می‌کنند. برخی کشورها ممکن است شروطی خاص، نظیر انطباق با سیاست عمومی یا رعایت استانداردهای دادرسی منصفانه را برای اجرای حکم خارجی الزامی بدانند. این تفاوت‌ها ریشه در تفاسیر گوناگون از مفاهیم سیاست عمومی، عدم

اعتماد به نظام‌های حقوقی خارجی و وجود استانداردهای متفاوت در دادرسی دارد که در نهایت، همکاری قضایی بین‌المللی را با چالش مواجه می‌سازد.

علاوه بر ملاحظات حقوقی، انگیزه‌های اقتصادی نیز در تصمیم‌گیری کشورها برای به رسمیت شناختن احکام خارجی نقش مهمی ایفا می‌کنند. بسیاری از کشورها با تسهیل فرایند اجرای احکام خارجی به دنبال ارتقاء تجارت و جذب سرمایه‌گذاری هستند که این رویکرد مانع از تکرار دعاوی و تسهیل جریان تجارت می‌گردد. با این حال، این انگیزه‌های اقتصادی اغلب تحت تأثیر عوامل حقوقی، تاریخی و سیاسی خاص هر کشور تعدیل می‌یابند. در نتیجه اجرای حکم، به‌عنوان یک فرصت عملی در بستر دادرسی الکترونیک، مستلزم درک عمیق از تفاوت‌های موجود در سیستم‌های حقوقی و چارچوب‌های قانونی کشورها است. علی‌رغم تلاش‌های بین‌المللی برای هماهنگ‌سازی و یکسان‌سازی، تفاوت‌های موجود در سنت‌های حقوقی و تفاسیر محلی، همچنان چالش‌هایی را در اجرای احکام خارجی ایجاد می‌کنند. این تنش میان همکاری بین‌المللی و حفظ حاکمیت ملی، پیچیدگی‌های اجرای احکام را در سطح جهانی نمایان می‌سازد.

#### ۴. چالش‌های دادرسی الکترونیک در پرتو دادرسی منصفانه

دادرسی الکترونیک در پرتو دادرسی منصفانه، دارای چالش‌هایی نیز است که فرآیند دادرسی را تحت تأثیر خود قرار داده است:

##### ۴-۱. چالش‌های حقوقی

دادرسی الکترونیک به‌عنوان یکی از نوآوری‌های نظام‌های قضایی مدرن، در عین تسهیل دسترسی به عدالت و تسریع در روند رسیدگی‌ها، چالش‌های قابل توجهی را برای تحقق اصول دادرسی منصفانه ایجاد کرده است. یکی از مهم‌ترین چالش‌ها، تضمین اصل برابری طرفین در فرایند دادرسی است (Custers, 2024). در بستر دیجیتال دسترسی نابرابر به فناوری می‌تواند اصل برابری را نقض کند، زیرا افراد یا گروه‌هایی که از امکانات فناوری مانند اینترنت پرسرعت، تجهیزات الکترونیکی و دانش دیجیتال کافی برخوردار نیستند، ممکن است در ارائه استدلال‌ها یا ادله خود نسبت به طرف مقابل دچار ضعف شوند (آقابابایی طاقانکی و کرد علیوند، ۱۴۰۳: ۴۵). این شکاف دیجیتالی که در مناطق محروم، جوامع روستایی و حتی میان گروه‌های

خاص جامعه مانند سالمندان و افراد کم‌سواد بیشتر مشاهده می‌شود، یکی از مسائل جدی در اجرای عادلانه دادرسی الکترونیک است. به‌عنوان نمونه، در کشور ایران، می‌توان به بخشنامه رئیس قوه قضاییه در خصوص منع مراجع قضایی از ورود به دعاوی مربوط به ابطال یا نقض مصوبات و تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی با شماره ۱۰۰/۵۳۵۵۱/۹۰۰۰ مصوب ۱۳/۹/۱۴۰۳ اشاره نمود که در این زمینه می‌توان این بخشنامه را خلاف قوانین دیوان عدالت اداری دانست و به نوعی یک چالش در این زمینه است.

بخشنامه رئیس قوه قضاییه که مراجع قضایی را از ورود به دعاوی ابطال یا نقض مصوبات و تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی منع می‌کند، چالشی جدی برای مفهوم دادرسی منصفانه در نظام حقوقی ایران ایجاد کرده است. این تصمیم بر مبنای حفظ ثبات قانونی و ایجاد یکپارچگی در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی تدوین شده است، اما محدودیت‌هایی را در دسترسی به عدالت و امکان بررسی مصوبات این شورا به وجود آورده است. بر اساس اصول حقوق بشر و حقوق شهروندی، یکی از مؤلفه‌های اصلی دادرسی منصفانه، فراهم کردن امکان دسترسی به محاکم قضایی و حق اعتراض به مصوبات است. این بخشنامه ممکن است علاوه بر تقویت انسجام قانونی، در عین حال باعث نگرانی‌هایی درباره احتمال نادیده گرفتن حقوق مردم و سازمان‌ها شود. همچنین، چنین ممنوعیت‌هایی می‌تواند موجب کاهش شفافیت و محدود شدن نقد و بررسی تصمیمات شورای عالی انقلاب فرهنگی شود. برای مثال در تحلیلی که روزنامه شرق ارائه کرده، اشاره شده است که این بخشنامه هدف اصلی خود را بر ثبات‌بخشی به مقررات و جلوگیری از تزلزل در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی متمرکز کرده است، اما نگرانی‌هایی درباره عدالت و شفافیت باقی مانده است.

#### ۴-۱-۱. دسترسی به دادگاه

دسترسی به دادگاه، به‌عنوان یکی از ارکان بنیادین دادرسی منصفانه، نقشی حیاتی در تضمین حقوق شهروندان ایفا می‌کند. با ظهور دادرسی الکترونیک به‌عنوان یک رویکرد نوین، این اصل با چالش‌های متعددی مواجه شده است که ریشه در مسائل زیرساختی، حقوقی و فرهنگی دارد (Ölçe, 2019: 250). در بسیاری از نظام‌های حقوقی، از جمله ایران، یکی از معضلات اساسی، شکاف دیجیتالی و عدم دسترسی یکسان بخش‌هایی از جامعه به زیرساخت‌های فناوری اطلاعات است. در مناطق کمتر توسعه‌یافته که دسترسی پایدار

به اینترنت یا تجهیزات الکترونیکی محدود است، شهروندان از قابلیت بهره‌مندی از دادرسی الکترونیک محروم می‌شوند. این محرومیت می‌تواند تضييع حقوق برابر گروه‌های آسیب‌پذیر، نظیر سالمندان، افراد کم‌سواد یا کسانی را که از توانمندی فنی کافی برخوردار نیستند، به همراه داشته باشد.

تحلیل‌های موردی از کشورهای پیشرفته حاکی از آن است که این معضل به شیوه‌های متفاوتی مرتفع گردیده است (پورقهرمانی اسمعیلی، ۱۳۹۸: ۷۴). به‌عنوان مثال، در فرانسه با وضع قوانین حمایتی مشخص، امکان ارائه خدمات دادرسی الکترونیک برای افراد فاقد دسترسی فنی یا دارای محدودیت‌های خاص فراهم شده است. همچنین این کشور نسبت به ایجاد فضاهای دولتی مشخص برای احراز هویت و دسترسی به سامانه‌های قضایی اقدام نموده است (Dymitruk, 2019: 187). در مقابل ایالات متحده آمریکا، اصل تناظر و دسترسی به دادگاه را به روشنی تبیین کرده و ابزارهای دیجیتالی را در دسترس تمامی شهروندان، از جمله اقشار آسیب‌پذیر، قرار داده است. نظام قضایی این کشور تلاش کرده است با ارائه پلتفرم‌های کاربرپسند و قابل دسترس، اصل عادلانه بودن دسترسی را تقویت کند (Pratiwi et al, 2020: 31). در بسیاری از کشورهای درحال توسعه، ضعف زیرساخت‌های الکترونیکی و عدم توجه کافی به این حوزه، موجب شده است که دادرسی‌های الکترونیک به جای تسهیل، محدودیت‌هایی را ایجاد کنند. این چالش‌ها به ویژه در تضاد با اصل برابری طرفین در فرایند دادرسی قرار می‌گیرد (Custers, 2022: 31). از این رو، اتخاذ راهکارهایی چون آموزش همگانی، توسعه زیرساخت‌های دیجیتال و ارائه سیستم‌های حمایتی از سوی دولت‌ها، می‌تواند رویکردهای مؤثری برای مقابله با این چالش‌ها باشد.

#### ۴-۱-۲. جریان رسیدگی

دادرسی الکترونیک، به‌عنوان یک رویکرد نوین در نظام قضایی، با هدف تسریع و تسهیل فرایندهای دادرسی و افزایش دسترسی به خدمات قضایی طراحی شده است. با این حال، اجرای آن چالش‌های متعددی را در زمینه رعایت اصول دادرسی منصفانه ایجاد می‌کند (Susskind, 2023: 56). یکی از چالش‌های بنیادین، نحوه طرح دعوا و ابلاغ و رسیدگی الکترونیکی است. اجباری کردن استفاده از سامانه‌های الکترونیکی برای تمامی اصحاب دعوا، بدون در نظر گرفتن تفاوت‌های فردی در شرایط و توانایی‌های فنی آنان، می‌تواند منجر

به تبعیض و نقض حقوق اساسی اشخاص گردد. عدم رعایت قواعد رویه‌ای و مقررات مربوط به استماع شهادت شهود در بستر الکترونیک، از دیگر دغدغه‌های نظام قضایی در حوزه دادرسی الکترونیک محسوب می‌شود، چراکه می‌تواند به شفافیت و عدالت در دادرسی آسیب برساند (صادقی و دیگران، ۱۴۰۰: ۷۸).

علاوه بر این، سیستم‌های الکترونیکی با چالش‌هایی نظیر احراز هویت و تأمین امنیت اطلاعات مواجه هستند که نیازمند اتخاذ تدابیر مؤثر برای جلوگیری از سوءاستفاده و دسترسی‌های غیرمجاز است. همچنین، ممکن است برخی شکایات به دلیل عدم انطباق با الگوهای از پیش تعیین شده در سامانه قابل ثبت نباشند؛ امری که می‌تواند مانعی در برابر دسترسی عادلانه به عدالت محسوب شود (بیات پریدری و کریم‌زاده، ۱۴۰۱: ۵۰). در برخی کشورها مانند فرانسه، دادرسی الکترونیک به صورت اختیاری تعریف شده است و اصحاب دعوا حق انتخاب استفاده از این شیوه را دارند. این رویکرد، به رعایت حقوق طرفین دعوا و اصل عدم تبعیض کمک می‌کند. در مقابل در نظام حقوقی ایران، اجباری بودن دادرسی الکترونیک برای تمامی اصحاب دعوا، می‌تواند با اصل برابری حقوقی در تضاد بوده و به انحراف از عدالت آیینی منجر شود.

در مجموع برای رفع چالش‌های دادرسی الکترونیک و تحقق کامل اهداف آن، ایجاد یک چارچوب قانونی قوی و جامع ضروری است. این چارچوب باید ضمن انطباق با موازین قانونی و شرعی، تمامی جوانب دادرسی الکترونیک را پوشش داده و زیرساخت‌های لازم برای اجرای موفق این سیستم را فراهم آورد. همچنین، ارائه آموزش‌های تخصصی به قضات و کاربران سیستم در خصوص نحوه استفاده از سامانه و فرآیندهای احراز هویت آنلاین، از اهمیت بسزایی برخوردار است (Engstrom & Gelbach, 2021: 201). توصیه می‌شود که دادرسی الکترونیک به دو دسته اختیاری و اجباری تفکیک شود تا دعاوی خاص، مانند دعاوی تجاری، بتوانند از مزایای آن بهره‌مند شوند، در حالی که رسیدگی به دعاوی دیگر مانند دعاوی خانواده، همچنان به شیوه سنتی ادامه یابد.

#### ۴-۱-۳. اجرای حکم

اجرای احکام به ویژه در بستر دادرسی الکترونیک، یکی از مراحل خطیر در فرایند قضایی محسوب می‌شود که با چالش‌های حقوقی قابل توجهی روبه‌رو است. در نظام دادرسی الکترونیک، چگونگی انطباق فرایند

اجرای حکم با اصول دادرسی منصفانه، از جمله اصل شفافیت و برابری طرفین و صیانت از حقوق متهم، نیازمند بررسی موشکافانه است (قاسمی، ۱۴۰۱: ۹۸). یکی از چالش‌های کلیدی، فقدان استانداردهای یکنواخت و جامع در اجرای احکام الکترونیکی در میان نظام‌های حقوقی مختلف است. در بسیاری از کشورها، هنوز تمایزهای چشمگیری در نحوه شناسایی و اجرای احکام الکترونیکی صادره از طریق فناوری‌های نوین وجود دارد. به عنوان مثال، در برخی نظام‌های حقوقی، مقررات ناکافی یا مبهم مربوط به احکام الکترونیکی می‌تواند اعتبار اجرای این احکام را با مخاطرات جدی مواجه سازد (آقائی، ۱۴۰۳: ۷۴).

مشکلات دیگری که این فرایند را تحت تأثیر قرار می‌دهد، شامل عدم شفافیت و فقدان معیارهای نظارتی روشن در سیستم‌های الکترونیک است. در برخی موارد، استفاده از الگوریتم‌ها یا سیستم‌های خودکار برای صدور و اجرای احکام، ممکن است به نتایجی منجر شود که فاقد قابلیت اتکا و بررسی مقتضی هستند. این پدیده نه تنها اعتماد عمومی به فرایند دادرسی را خدشه‌دار می‌کند، بلکه خود اصل دادرسی منصفانه را نیز تهدید می‌نماید (آقائی، ۱۴۰۳: ۷۴). چالش دیگر مرتبط با اجرای احکام الکترونیک در نظام‌های حقوقی گوناگون، به موضوع امنیت داده‌ها و حفظ حریم خصوصی بازمی‌گردد. با عنایت به فقدان چارچوب‌های کافی برای حفاظت از اطلاعات شخصی، احتمال سوءاستفاده از داده‌های مرتبط با احکام و اجرای آن‌ها وجود دارد که این امر با اصول حقوق بشری و دادرسی منصفانه مغایرت دارد (Custers & Stevens, 2021: 45).

در سطح بین‌المللی یکی از عمده‌ترین مشکلات، تفاوت فاحش در استانداردهای قانونی میان کشورهاست که می‌تواند مانعی جدی در برابر شناسایی و اجرای احکام الکترونیک در سطح فراملی باشد. بسیاری از کشورها، به دلیل نبود هماهنگی در چارچوب‌های قانونی داخلی خود، ممکن است اجرای چنین احکامی را با پیچیدگی‌های فراوان یا حتی غیرممکن مواجه سازند. این وضعیت، همکاری‌های بین‌المللی را برای تدوین چارچوب‌های مشترک و تضمین انطباق با اصول دادرسی منصفانه ضروری می‌سازد. در جمع‌بندی، رفع این چالش‌ها مستلزم اتخاذ رویکردهای چندوجهی، شامل اصلاحات قانونی و ارتقای زیرساخت‌ها است. ایجاد معیارهای شفاف، تضمین امنیت داده‌ها و فعال‌سازی هماهنگی‌های بین‌المللی

برای شناسایی قانونی و اجرای احکام، می‌تواند مسیر همسوسازی دادرسی الکترونیک با اصول دادرسی منصفانه را هموار سازد.

#### ۲-۴. چالش‌های عملی

چالش‌های فنی و عملی در زمینه دادرسی الکترونیک در پرتو دادرسی منصفانه، شامل مسائل زیرساختی و حقوقی و تفاوت‌های میان کشورها می‌شود. در کشورهای در حال توسعه، شکاف دیجیتال و دسترسی محدود به فناوری موجب می‌شود جوامع محروم نتوانند از سیستم‌های عدالت الکترونیکی بهره‌مند شوند و این موضوع نابرابری در اجرای عدالت را افزایش می‌دهد (Legg, 2021: 140). در ادامه مهم‌ترین این چالش‌ها بیان می‌شوند:

#### ۱-۲-۴. دسترسی به دادگاه

یکی از چالش‌های اساسی در حوزه دادرسی الکترونیک، تضمین دسترسی برابر شهروندان به مراجع قضایی است. این مسئله به‌طور ویژه در کشورهایی که از زیرساخت‌های فناورانه توسعه‌یافته محرومند یا بخش قابل توجهی از جمعیتشان از توانمندی دیجیتالی کافی برخوردار نیست، برجسته می‌شود. دسترسی به اینترنت پایدار، دانش فنی لازم برای تعامل با سیستم‌های آنلاین و هزینه‌های مرتبط با فناوری، از جمله عواملی هستند که می‌توانند مانعی جدی در برابر بهره‌مندی عموم از عدالت قضایی باشند. به‌عنوان مثال، در برخی کشورها شکاف دیجیتالی موجب شده است که اقبال آسیب‌پذیر و محروم، در استفاده از سیستم‌های عدالت الکترونیکی، نسبت به سایرین عقب‌مانند (پرستش و خسروی دانش، ۱۳۹۹: ۸۰).

در حالی که بسیاری از کشورها با پیاده‌سازی فناوری در محاکم، از جمله ثبت الکترونیکی دادخواست‌ها و برگزاری جلسات دادرسی مجازی، توانسته‌اند دسترسی به عدالت را بهبود بخشند، وضعیت در کشورهایی با زیرساخت‌های ضعیف‌تر متفاوت است. استونی، به‌عنوان یک الگوی موفق، با راه‌اندازی سیستم‌های پیشرفته ثبت قضایی و برگزاری جلسات آنلاین، عدالت را به شکلی شفاف‌تر و در دسترس‌تر ارائه داده است. در نقطه مقابل، کشورهایی که از زیرساخت‌های کافی برای دادرسی الکترونیک بی‌بهره‌اند، با مشکلاتی نظیر عدم دسترسی به اینترنت پایدار یا ناتوانی در تعامل با سیستم‌های آنلاین مواجه هستند که این امر می‌تواند

نابرابری‌های ساختاری را تشدید کند (Kharlie & Cholil, 2020: 136). مسائل دیگری نظیر امنیت سایبری، حفظ حریم خصوصی داده‌ها و جلب اعتماد عمومی به سیستم‌های الکترونیکی، بر پیچیدگی این چالش‌ها می‌افزاید. شهروندان در برخی کشورها، نگرانی‌هایی در خصوص صیانت از اطلاعات شخصی و احتمال سوءاستفاده از داده‌ها ابراز می‌دارند. علاوه بر این، کمبود دانش دیجیتال در میان کارکنان دادگاه‌ها و عموم مردم، روند دادرسی را با موانع بیشتری مواجه می‌سازد (Instance et al, 2023: 121).

در کشورهایی توسعه‌یافته همچون آلمان، تلاش بر آن است تا با ایجاد تعادلی میان حضور فیزیکی و بهره‌گیری از فناوری، عدالت حفظ شود. به‌عنوان نمونه، نظام قضایی آلمان همچنان بر ضرورت حضور فیزیکی طرفین در بسیاری از موارد تأکید دارد تا از دسترسی کامل افراد به دادگاه‌ها اطمینان حاصل شود (Kurniawan, 2020: 54). برای رفع این چالش‌های عملی، کشورها باید بر تقویت زیرساخت‌های دیجیتال، تدوین سیاست‌های فراگیر برای ترویج فناوری و آموزش حقوق دیجیتال تمرکز کنند تا امکان دسترسی برابر به دادرسی الکترونیک فراهم آید. افزون بر این، هماهنگی میان قوانین ملی و انطباق با استانداردهای جهانی می‌تواند به حفظ چارچوب دادرسی منصفانه در این بستر یاری رساند.

بخشنامه اخیر رئیس قوه قضاییه در خصوص منع مراجع قضایی از ورود به دعاوی ابطال یا نقض مصوبات شورای عالی انقلاب فرهنگی (به شماره ۱۰۰/۵۳۵۵۱/۹۰۰۰، مورخ ۱۳/۹/۱۴۰۳)، چالشی عملی و حقوقی در زمینه دسترسی به عدالت و تضمین دادرسی منصفانه در ایران ایجاد کرده است. این بخشنامه با تأکید بر اعتبار و الزام قانونی مصوبات این شورا، دسترسی به مراجع قضایی برای رسیدگی به این‌گونه مصوبات را محدود می‌سازد. چنین محدودیتی می‌تواند به‌طور بالقوه، اصل شفافیت و حق اعتراض شهروندان به مصوبات دولتی را که از ارکان اساسی دادرسی منصفانه محسوب می‌شود، تحت تأثیر قرار دهد. هرچند این اقدام با هدف حفظ انسجام در سیاست‌گذاری‌های فرهنگی و جلوگیری از تعارضات قانونی صورت گرفته است، اما ممکن است استقلال قضایی را نیز به چالش کشیده و ظرفیت نقد تصمیمات اداری را کاهش دهد. این پرسش مطرح است که آیا اعمال چنین محدودیت‌هایی، در بلندمدت، به اعتماد عمومی به نظام قضایی لطمه

وارد نخواهد کرد. بررسی جامع آثار این بخشنامه بر نظام حقوقی و حق دادرسی منصفانه شهروندان، برای پیشگیری از سوءاستفاده‌های احتمالی و صیانت از حقوق، امری ضروری است.

#### ۲-۲-۴. جریان رسیدگی

دادرسی الکترونیک به‌رغم هدف تسهیل و تسریع روندهای قضایی، در جریان رسیدگی با چالش‌های متعدد و بنیادینی روبه‌رو است که می‌تواند عدالت و دادرسی منصفانه را تحت تأثیر قرار دهد. یکی از اصلی‌ترین این مسائل، عدم دسترسی برابر به فناوری و ابزارهای لازم است (امامی، ۱۴۰۰: ۶۵). در حالی که برخی از افراد یا مناطق از زیرساخت‌ها و دانش لازم برای مشارکت در فرایند دادرسی الکترونیک برخوردارند، دیگران از این امکان محروم مانده و در عمل از دسترسی به عدالت دور می‌شوند. علاوه بر این، ضعف زیرساخت‌های فنی و وابستگی شدید به سامانه‌های دیجیتال باعث می‌شود که حتی خطاهای کوچک فنی و اختلالات سیستمی، جریان دادرسی را کند کرده یا متوقف سازد (Rizkiana & Gerry, 2023: 145). چنین تأخیرهایی در کنار هزینه‌های مادی و معنوی، اعتماد عمومی به نظام قضایی را نیز تضعیف می‌کند. به‌خصوص در پرونده‌هایی حساس، مشکلات این‌چنینی ممکن است منجر به نقض حقوق طرفین شود. از سوی دیگر، فرایند ثبت و ارائه شواهد در بستر دیجیتال نیز با چالش‌های جدی مواجه است.

مدارک الکترونیکی ممکن است اعتبار یا اصالت خود را به دلیل وجود احتمال دستکاری یا تغییر از دست دهند که این امر اثرات مخربی بر تصمیمات قضایی دارد. مسئله امنیت و حفظ حریم خصوصی نیز بحرانی است؛ افشای اطلاعات محرمانه و دسترسی غیرمجاز به این داده‌ها، می‌تواند آسیب‌های جبران‌ناپذیری به طرفین دعوی تحمیل کند (پوراصغر بیله سوار، ۱۴۰۲: ۵۱). همچنین حذف تعاملات حضوری در جریان دادرسی، سبب محدود شدن بُعد انسانی این فرایند می‌شود؛ زیرا امکان مشاهده مستقیم رفتارها، زبان بدن و تعاملات احساسی میان طرفین وجود ندارد و این امر می‌تواند بر تفسیر قاضی و درنهایت بر تصمیم‌گیری او اثرگذار باشد. پیچیدگی ابزارهای الکترونیکی و عدم انطباق کامل میان سامانه‌های دیجیتال و نیازهای انسانی در دادرسی، چالش دیگری است که روند رسیدگی را تحت شعاع قرار می‌دهد. بسیاری از قضات، وکلا و اصحاب دعوی ممکن است فاقد مهارت‌های کافی برای استفاده صحیح از این فناوری‌ها باشند که این مسئله

باعث کاهش کارآمدی سیستم و افزایش احتمال خطا می‌شود (Sugiyono & Shera, 2020: 55). علاوه بر این، استفاده از الگوریتم‌های تخصصی یا هوش مصنوعی در تحلیل پرونده‌ها گاهی منجر به تصمیم‌گیری‌های غیرعادلانه و سطحی می‌شود، چراکه این ابزارها به‌طور کامل قادر به درک ابعاد انسانی و پیچیدگی‌های واقعی پرونده‌ها نیستند. در نتیجه، مجموعه این عوامل نشان می‌دهد که جریان رسیدگی در دادرسی الکترونیک نه تنها از لحاظ فنی بلکه در تحقق عدالت و دادرسی منصفانه با چالش‌های اساسی همراه است و پیش از فراهم شدن بسترهای مناسب، نمی‌تواند راهکاری ایدئال تلقی شود.

### ۴-۲-۳. اجرای حکم

اجرای حکم در بستر دادرسی الکترونیک با چالش‌هایی مواجه است که می‌تواند اصول دادرسی منصفانه را تحت تأثیر قرار دهد. مهم‌ترین مسئله، پایداری و حفظ امنیت زیرساخت‌های الکترونیکی است. وجود نقص‌های امنیتی ممکن است فرآیند اجرایی را مختل کند یا اطلاعات محرمانه طرفین را در معرض خطر قرار دهد، مسئله‌ای که اعتماد عمومی به سیستم قضایی را تضعیف می‌کند (طاهری، ۱۴۰۱: ۹۱). کشورهای مختلف در مواجهه با این چالش‌ها رویکردهای متفاوتی اتخاذ کرده‌اند. در کشورهای دارای زیرساخت‌های پیشرفته مانند سوئیس، قوانین دقیق و فناوری‌های مدرن در چارچوب پروژه‌هایی نظیر «Justitia 4.0» اجرای الکترونیکی احکام با امنیت بیشتری انجام می‌شود. در مقابل، در کشورهایی مانند برزیل که دیجیتالی شدن با سرعت بیشتری پیش رفته (مثلاً در سیستم (PJE)، مشکلاتی مانند دسترسی نابرابر به فناوری و شکاف دیجیتال بیشتر مشهود است که می‌تواند بر امکان اجرای عادلانه احکام تأثیر بگذارد (Flack-Makitan, 2022: 92). همچنین، عدم انطباق مناسب چارچوب‌های قانونی موجود با ابزارهای نوین دیجیتال در بسیاری از کشورها، موجب سردرگمی در اجرای احکام می‌شود. برای مثال، قوانین سنتی طراحی شده برای فضای فیزیکی الزاماتی را به همراه دارد که با روند دیجیتالی به‌خوبی هماهنگ نیست؛ این ناهماهنگی در برخی کشورها باعث مشکلات اجرایی مانند دیرکردها یا اختلافات حقوقی بر سر صحت داده‌های الکترونیک شده است.

چالش دیگر، نابرابری در دسترسی به فناوری و آموزش دیجیتال است. در برخی مناطق محروم یا جوامع روستایی، مردم و حتی مأموران اجرای حکم ممکن است به ابزارهای لازم برای بهره‌برداری از سیستم‌های الکترونیک دسترسی نداشته باشند که این امر آزادانه و سریع بودن اجرای حکم را مختل می‌کند. این مسئله می‌تواند به خصوص در کشورهایی با پراکندگی زیرساخت‌های دیجیتالی مانند برزیل حادث‌تر باشد (Marrani, 2019: 77). در مجموع برای تضمین اجرای عادلانه و مؤثر احکام در بستر الکترونیک، کشورها باید بر تقویت امنیت سایبری، نوسازی زیرساخت‌های دیجیتال و بهبود توانمندی قانونی خود متمرکز شوند. تجربه کشورهایی مانند سوئیس نشان می‌دهد که ایجاد چارچوب‌های دقیق‌تر و بهره‌مندی از فناوری پیشرفته کمک می‌کند تا اصول دادرسی منصفانه، حتی در مراحل اجرایی، حفظ شود.

### نتیجه‌گیری

دادرسی الکترونیک به‌عنوان یکی از نوآوری‌های حقوقی در عصر دیجیتال، فرصت‌های قابل توجهی را برای تحقق اصول دادرسی منصفانه فراهم کرده است. از جمله این فرصت‌ها می‌توان به دسترسی آسان‌تر به عدالت، کاهش هزینه‌های دادرسی، تسریع در روند رسیدگی و کاهش بوروکراسی اشاره کرد. در کشورهایی مانند استرالیا و ایالات متحده، استفاده از فناوری‌های نوین در دادرسی الکترونیک توانسته است تا حد زیادی شفافیت، کارآمدی و دسترسی به عدالت را بهبود بخشد. همچنین در کشورهای اروپایی مانند هلند و استونی، سیستم‌های پیشرفته دادرسی الکترونیک با رعایت اصول محرمانگی و امنیت داده‌ها، الگویی موفق از انطباق فناوری با اصول دادرسی منصفانه ارائه کرده‌اند.

با این حال، چالش‌های جدی نیز در مسیر تحقق دادرسی منصفانه در بستر الکترونیک وجود دارد. یکی از مهم‌ترین این چالش‌ها، نابرابری در دسترسی به فناوری است که در کشورهای درحال توسعه و فقیرتر به‌وضوح دیده می‌شود. در این کشورها، نبود زیرساخت‌های مناسب فناوری اطلاعات و آموزش ناکافی کاربران می‌تواند منجر به نقض اصل برابری در دسترسی به عدالت شود. همچنین مسائلی نظیر امنیت سایبری، حفظ حریم خصوصی و احتمال نقض حقوق طرفین در فرآیند الکترونیک از دیگر چالش‌های اساسی است که حتی در کشورهای پیشرفته نیز به‌طور کامل برطرف نشده است.

با در نظر گرفتن منظر تطبیقی، در حالی که کشورهای پیشرفته توانسته‌اند با بهره‌گیری از فناوری‌های نوین، بسیاری از اصول دادرسی منصفانه را در بستر الکترونیک پیاده‌سازی کنند، در کشورهای در حال توسعه، این فرآیند با موانع جدی همراه است. بنابراین، برای دستیابی به دادرسی منصفانه در بستر الکترونیک، لازم است کشورها با سرمایه‌گذاری در زیرساخت‌ها، ارتقای سواد دیجیتال جامعه و قضات و تدوین قوانین جامع و هماهنگ در سطح بین‌المللی بر چالش‌ها فائق آیند. تنها با این رویکرد است که می‌توان ضمن بهره‌گیری کامل از فرصت‌های دادرسی الکترونیک، چالش‌های آن را به حداقل رساند و گامی مؤثر در جهت تحقق عدالت در عصر دیجیتال و ارتقای استانداردهای دادرسی منصفانه در سطح جهانی برداشت.

## فهرست منابع

- آقابابایی طاقانکی، عظیم و کردعلیوند، روح‌الدین (۱۴۰۳ش). «دادرسی عادلانه در چنبره مدیریت گرای دیجیتال سامانه کیفری»، دوره ۵، شماره ۹.
- آقائی، ابراهیم (۱۴۰۳ش). **مقایسه دادرسی سنتی و الکترونیکی و ارائه الگوی مطلوب دادرسی الکترونیکی**. استاد راهنما: مجید عزیزبانی، دانشگاه علوم قضایی و خدمات اداری.
- اکبری رودپشتی، عظیم و زمانی، سید قاسم (۱۴۰۰ش). مفهوم و مصادیق بی‌طرفی قضایی در اسناد بین‌المللی و رویه دیوان اروپایی حقوق بشر. فصلنامه تحقیقات حقوقی، ش ۹۶.
- امامی، سید محمد (۱۴۰۱ش). **نقش تکنولوژی‌های نوین در بهبود کارکردهای آیین دادرسی مدنی**. استاد راهنما: حسین فلاح یخدانی، دانشگاه مپید.
- انصاف دوست، محمد؛ اسماعیلی، مهدی و حاجی تبار فیروزجایی، حسن (۱۴۰۲ش). «مطالعه تطبیقی استماع شهادت مجازی در چارچوب دادرسی الکترونیکی»، **فقه جزای تطبیقی**، دوره ۳، شماره ۲.
- بیات پریدری، ندا و کریم‌زاده، احسان (۱۴۰۱ش). «اصل حق بر دادرسی منصفانه در کنوانسیون حقوق بشر». سومین کنفرانس بین‌المللی علوم انسانی، **حقوق، مطالعات اجتماعی و روان‌شناسی**، ایران، تهران.
- پرستش، رضا و خسروی دانش، سحر (۱۳۹۹ش). «مطالعه رعایت قواعد ماهوی اصول دادرسی منصفانه در مقررات نظام‌های حرفه‌ای ایران». **مجله حقوق عمومی**، شماره ۵۲.
- پورقهرمانی اسمعیلی، اکبر (۱۳۹۸ش). «چالش‌های فراروی دادرسی الکترونیکی در ایران». **فصلنامه دیدگاه‌های حقوق قضایی**، ش ۱۸.
- پوراصغر بیله سوار، عبدالرحیم (۱۴۰۲ش). **محاسن و معایب دادرسی الکترونیکی در نظام حقوقی ایران**. استاد راهنما: صالح فرهادی آجرلو، دانشگاه آزاد اسلامی واحد گرمی.
- راسته، مرتضی؛ توجهی، عبدالعلی و نعمتی، مژگان (۱۴۰۰ش). «همسنگی مؤلفه‌های دادرسی علنی در نظام بین‌المللی حقوق بشر و نظام دادرسی کیفری ایران». **مجله پژوهش‌های حقوق جزا و جرم‌شناسی**، شماره ۲۰.
- رضائی، امیرعلی (۱۳۹۹ش). **موانع و چالش‌های فراروی دادرسی الکترونیکی در نظام حقوقی ایران**. استاد راهنما: سجاد اختری، دانشگاه البرز.
- صادقی، غلامعباس؛ سایانی، علیرضا و ساقیان، محمد مهدی (۱۴۰۰ش). «ضمانت اجراهای نقض اصول دادرسی منصفانه در دادرسی‌های کیفری در نظام حقوقی ایران». **فصلنامه مطالعات راهبردی ناجا**، شماره ۲۰.

- طاهری، فاطمه (۱۴۰۱ش). **آسیب‌شناسی مقررات دادرسی الکترونیک در حقوق ایران از منظر آیین دادرسی مدنی**، ستاد راهنما: حسین عابدینی، دانشگاه علوم پزشکی و خدمات بهداشتی درمانی ارتش. قاسمی، محمداسماعیل (۱۴۰۱). **اجرای دادرسی الکترونیک در حقوق ایران در پرتو اصول دادرسی منصفانه**، استاد راهنما: سید هادی پژومان، دانشگاه شمال.
- مبادری، علی؛ گل خندان، سمیرا و رجیبه، محمدحسین (۱۴۰۳ش). «واکاوی عدول از دادرسی عادلانه کیفری متأثر از مقام و موقعیت متهم در حقوق ایران و اسناد بین‌المللی؛ حقوق بشر از منظر بین‌الملل»، **پژوهشنامه ایرانی روابط بین‌الملل**، سال ۲، شماره ۳.
- محسنی، حسن؛ بهشتی پور، زینب (۱۴۰۰ش). «بایبندی دادرسی الکترونیک به اصول بنیادین دادرسی با نگاهی تطبیقی به حقوق فرانسه»، **پژوهشنامه حقوق تطبیقی**، دوره ۵، شماره ۲.
- مرادی، قاسم (۱۳۹۷). «اصول حاکم بر روند دادرسی عادلانه»، **فصلنامه جستارهای حقوق عمومی**، سال ۲، شماره ۴.
- مقصودپور، رسول و متقی شهری، سامان (۱۴۰۱ش). «الزامات و زمینه‌های دادرسی مدنی الکترونیک در حقوق ایران و آمریکا»، **پژوهش و مطالعات علوم اسلامی**، سال ۴، شماره ۳۵.
- وحدتی، مهدی؛ طاهرخانی، حسین؛ ساورائی، پرویز و نورشرف، جمشید (۱۳۹۹). «بررسی چالش‌ها و رفع تعارض مقررات مربوط به دادرسی الکترونیکی در نظام حقوقی ایران با نگرش تطبیقی در حقوق فرانسه»، **فصلنامه پژوهش تطبیقی حقوق اسلام و غرب**، سال ۷، شماره ۴.
- هاشم الخفاجی، المجتبی عباس (۱۴۰۳ش). **مطالعه تطبیقی فرآیندهای دادرسی الکترونیکی در حقوق ایران و عراق و امارات متحده عربی**، استاد راهنما: امیر باقریان، دانشگاه کاشان.
- یاوری، اسداله (۱۳۸۳). «حق برخورداری از دادرسی منصفانه و آیین دادرسی نوین». **نشریه حقوق اساسی**، سال ۲، شماره ۳.

## References

- Alam, S., & Luthfi, M. (2021). E-Court Effectiveness of Religious Courts in Indonesia. 2nd International Conference on Law Reform (INCLAR 2021) (pp. 92-97). Atlantis Press. <https://doi.org/10.2991/assehr.k.211102.174>
- Berutu, L, Lisdiyono, E, Irianto, S, & Berutu, C. A. N. (2022). E-Court System In Realizing Simple, Fast And Low-Cost Civil Justice: Learning From Indonesian Experience. Journal of Positive School Psychology, 6(7), <https://www.journalppw.com/index.php/jpsp/article/view/1189>.
- Balatska, Olha & Lotysh, Tetiana. (2024). The Right to a Fair Trial: Between Normative Doctrine and Practice in the Face of Global Challenges. Comparative Law Review. Online. 3 December 2024. Vol. 30, pp. 35-61. [Accessed 17 February 2025]. DOI 10.12775/CLR.2024.002.

- Cahyono, A. S, Zauhar, S, & Domai, T. (2023). Public Service of Religious Courts in Indonesia Based on the E-Court Application. *KnE Social Sciences*, <https://doi.org/10.18502/kss.v8i9.13344>.
- Custers, Bart. (2024). A fair trial in complex technology cases: Why courts and judges need a basic understanding of complex technologies. *Computer Law & Security Review: The International Journal of Technology Law and Practice*, (52).
- Custers, B.H.M. (2022). New Digital Rights: Imagining additional fundamental rights for the digital era, *Computer Law & Security Review*, (44). <https://doi.org/10.1016/j.clsr.2021.105636>.
- Custers, B.H.M, and Stevens, L. (2021) The Use of Data as Evidence in Dutch Criminal Courts, *European Journal of Crime, Criminal Law and Criminal Justice*, (29)
- Flack-Makitan, K. (2022). Right to a Fair Trial and Digital Technologies in Civil Procedure. *Actualities, Civ. Proc. Law*, (29).
- Dymitruk, M. (2019). The right to a fair trial in automated civil proceedings. *Masaryk University Journal of Law and Technology*, 13(1).
- Engstrom, D. F.& Gelbach, J. B. (2021). Legal Tech, Civil Procedure, and the Future of Adversarialism. *University of Pennsylvania Law Review*, 169(4).([https://scholarship.law.upenn.edu/penn\\_law\\_review/vol169/iss4/2](https://scholarship.law.upenn.edu/penn_law_review/vol169/iss4/2))
- Hall, D. E. (2022). *Criminal law and procedure*. Cengage Learning. <https://www.cengage.com/c/criminal-law-and-procedure-8e-hall/9780357619339>
- Instance, Dhirani, L. L, Mukhtiar, N, Chowdhry, B. S, & Newe, T. (2023). Ethical dilemma and privacy issues in emerging technologies: a review. *Sensors*, 23(3).
- Justin C. Dawson, Duren Banks, Michael J. D. Vermeer, Shoshana R. Shelton. (2018). Strategies to Mitigate the Impact of Electronic Communication and Electronic Devices on the Right to a Fair Trial. *The RAND Corporation*, (01).
- Kharlie, A. T & Cholil, A. (2020). E-court and e-litigation: The new face of civil court practices in Indonesia. *International Journal of Advanced Science and Technology*. <http://repository.uinjkt.ac.id/dspace/handle/123456789/50829>
- Kurniawan, F, Agustin, E, Nugraha, X, Ikbar, R. D, & Felicia, S. A. (2022). Evidence of Contract Dispute Settlement in Electronic Trials in Indonesia in the Construction of the Ius Constitutum and Ius Constituendum. *Environment-Behaviour Proceedings Journal*, 7(SI11). <https://doi.org/10.21834/ebpj.v7iSI11.4168>
- Kurniawan, M. B. (2020). Implementation Of Electronic Trial (E-Litigation) On The Civil Cases In Indonesia Court As A Legal Renewal Of Civil Procedural Law. *Jurnal Hukum dan Peradilan*, 9(1), 43-70. <http://dx.doi.org/10.25216/jhp.9.1.2020.43-70>
- Legg, Michael. (2021). The COVID-19 Pandemic, the Courts and Online Hearings: Maintaining Open Justice, Procedural Fairness and Impartiality. First published online February 15, 2021.
- Marrani, D. (2019). Right to fair trial: impacts of new technology and contemporary space of justice on the process and administration of justice, *Doctoral Thesis Universidad de Barcelona*.
- Norstrom, Sara & Hahdini. (2022). The right to a fair trial during the Covid-19 pandemic in Sweden in the light of digitized procedures. *Jurisdoctoria 2023-6 [en ligne]*, *Les Cahiers d'e-Délib* 2022.
- Ölçe, F. P nar. (2019). The European Court of Human Rights: The Fair Trial Analysis Under Article 6 of the European Convention of Human Rights. *Ius Gentium: Comparative Perspectives on Law and Justice*, (20).
- Pratiwi, S. J, Steven, S, & Permatasari, A. D. P. (2020). The application of e-court as an effort to modernize the justice administration in indonesia: challenges & problems. *Indonesian Journal of Advocacy and Legal Services*, 2(1). <https://doi.org/10.15294/ijals.v2i1.37718>

- Putra, D. (2020). A modern judicial system in Indonesia: legal breakthrough of e-court and e-legal proceeding. *Jurnal Hukum dan Peradilan*, 9(2).<http://dx.doi.org/10.25216/jhp.9.2.2020.275-297>
- Rahman, I, & Pujiono, B. (2022). Regulation Problems of Case Settlement using ECourts in Indonesia Courts. *Transparansi Hukum*. <https://doi.org/10.30737/transparansi.v0i0.3663>
- Rizkiana, R. E, & Gerry, M. (2023). The Implementation of Good Governance Concept In Letter Evidence Submission Regulation For E-Litigation Cases. *Veteran Law Review*, 6(1), 48-60. <https://doi.org/10.35586/vetrev.v6i1.4843>
- Sourdin, Tania, Li. Bin & Burke. Tony. (2019). Just, quick and cheap: Civil dispute resolution and technology. *Journal:Macquarie Law Journal*, ISSN (print):1445-386X, Macquarie University, Division of Law, Vol(20).
- Tamanaha, Ben. (2022). *Failing Law Schools*, Chicago: University of Chicago Press.
- Yulianto, F. A. S, & Sugiri, B. (2022). Electronic Criminal Trial Reform That Guarantees Due Process Of Law. *International Journal of Environmental, Sustainability, and Social Science*, 3(2). <https://doi.org/10.38142/ijess.v3i2.273>
- Wood, M. A. (2021). Rethinking how technologies harm. *The British Journal of Criminology*,61(3).
- Wiśniewski, Tadeusz. (2023). On Some of the Theoretical and Practical Problems Accompanying Remote Hearings in the Light of a Fair Civil Trial. *Krytyka Prawa*, Vol(23).
- Zulaehal, Mulyani. (2023). E-Courts in Indonesia: Exploring the Opportunities and Challenges for Justice and Advancement to Judicial Efficiency, (18).
- In Persian
- Aghababaei Taghanaki, Azim, Kord Alivand, Ruhuddin. (2022). Fair Trial in the Digital Managerial Cycle of the Criminal System, Fifth Volume, No. 9.
- Aghaei, Ebrahim. (2022). thesis on comparing traditional and electronic litigation and presenting the optimal model of electronic litigation, supervisor: Majid Aziziani, University of Judicial Sciences and Administrative Services.
- Akbari Rudpashti, Azim, Zamani, Seyed Qasem. (2021). The concept and examples of judicial impartiality in international documents and the practice of the European Court of Human Rights. *Quarterly Journal of Legal Research*, No. 96.
- Emami, Seyyed Mohamma. (2022). Thesis: The Role of New Technologies in Improving the Functions of Civil Procedure, Supervisor: Hossein Fallah Yakhdani, University of Meybod.
- Ensaf Doost, Mohammad, Esmacili, Mehdi, Hajitabar, Firouzjaei, Hassan. (2021). Comparative study of virtual testimony hearing within the framework of electronic proceedings, *Comparative Criminal Jurisprudence*, Third Volume, No. 2.
- Bayat-Piridari, Neda, Karimzadeh, Ehsan. (2021). The Principle of the Right to a Fair Trial in the Convention on Human Rights. *Third International Conference on Humanities, Law, Social Studies and Psychology*, Iran, Tehran.
- Parastesh, Reza, Khosravi Danesh, Sahar. (2020). Study of compliance with substantive rules of fair trial principles in the regulations of Iranian professional systems. *Journal of Public Law*, No. 52.
- Pourqahrmani Esmaili, Akbar. (2019). Challenges Facing Electronic Litigation in Iran. *Quarterly Journal of Judicial Law Perspectives*, No. 18.
- Pourasghar Bilesavar, Abdolrahim. (2021).Thesis: Advantages and Disadvantages of Electronic Proceedings in the Iranian Legal System, Supervisor: Saleh Farhadi Ajorloo, Islamic Azad University, Germe Branch.

- Rasteh, Morteza, Tavajjohi, Abdol Ali, Nemati, Mojgan. (2021). Comparing the components of public trial in the international human rights system and the Iranian criminal justice system. *Journal of Criminal Law and Criminology Research*, No. 20.
- Rezaei, Amir Ali. (2020). Thesis on Obstacles and Challenges Facing Electronic Litigation in the Iranian Legal System, Supervisor: Sajjad Akhtari, Alborz University.
- Sadeghi, Gholam Abbas, Saybani, Alireza, Saghian, Mohammad Mehdi. (2021). Enforcement guarantees for violations of fair trial principles in criminal proceedings in the Iranian legal system. *NAJA Strategic Studies Quarterly*, No. 20.
- Taheri, Fatemeh. (2022). Dissertation on the Pathology of Electronic Proceedings Regulations in Iranian Law from the Perspective of Civil Procedure, Supervisor: Hossein Abedini, Army University of Medical Sciences and Health Services.
- Ghasemi, Mohammad Ismail. (2022). Thesis on the Implementation of Electronic Proceedings in Iranian Law in the Light of Fair Trial Principles, Supervisor: Seyyed Hadi Pejooman, Shomal University.
- Mobadari, Ali, Golkhandan, Samira, Rajabieh, Mohammad Hossein. (2024). Analysis of the deviation from fair criminal proceedings affected by the status and position of the accused in Iranian law and international documents; Human rights from an international perspective, *Iranian Journal of International Relations*, second year, issue 3.
- Mohseni, Hassan, Beheshtipour, Zeinab. (2021) Compliance of electronic proceedings with the fundamental principles of proceedings with a comparative look at French law, *Comparative Law Research Journal*, Fifth Volume, No. 2 (8th issue).
- Moradi, Qasem. (2018). Principles Governing the Fair Trial Process, *Quarterly Journal of Public Law Research*, Year 2, Issue 4.
- Maghsoodpour, Rasoul; Mottaqi Shahri, Saman. (2021). Requirements and Backgrounds of Electronic Civil Proceedings in Iranian and American Law, *Research and Studies of Islamic Sciences*, Fourth Year, No. 35.
- Vahdati, Mehdi and Taherkhani, Hossein and Savaraei, Parviz and Noorshark, Jamshid, 2020, Examining the challenges and resolving the conflict of regulations related to electronic litigation in the Iranian legal system with a comparative approach in French law, *Quarterly Journal of Comparative Research on Islamic and Western Law*, Year 7, Issue 4
- Hashem Al-Khafaji, Al-Mujtaba Abbas. (2024). Thesis on a comparative study of electronic litigation processes in the laws of Iran, Iraq and the United Arab Emirates, supervisor: Amir Bagherian, University of Kashan.
- Yavari, Asadollah, 2004, The Right to a Fair Trial and Modern Procedure. *Fundamental Rights Journal*, Year 2, Issue 3.